منهای فوتبال

هفت گام بسکتبال تا المپیک

طبق برنامه پیشنهادی فدراسیون بسکتبال که به منظور آماده‌سازی تیم ملی این رشته برای المپیک توکیو تدوین شده، ملی‌پوشان بسکتبال پیش از اعزام به توکیو، چهار مرحله اردوی آماده‌سازی همراه با حضور در سه تورنمنت بین‌المللی را پشت سر خواهند گذاشت. به گفته رامین طباطبایی، رئیس فدراسیون بسکتبال، هنوز زمان‌بندی این برنامه‌ها نهایی نشده اما کلیات آن در برگیرنده هفت محور مورد نظر است. وی با تاکید بر اینکه اردوی آماده‌سازی تیم ملی بسکتبال از نیمه دوم اردیبهشت آغاز می‌شود، خاطرنشان کرد: «به دلیل ماه مبارک رمضان هنوز تاریخ دقیق برای آغاز اردو را نهایی نکرده‌ایم اما به طور حتم از اردیبهشت و نهایتا روزهای ابتدایی خرداد اردوها را آغاز می‌کنیم و به صورت مستمر تا زمان اعزام به توکیو ادامه خواهیم داد.» وی افزود: «به دلیل نامشخص بودن زمانبندی دقیق اردوها، اینکه هر مرحله اردو در چه تاریخی آغاز و به پایان می‌رسد، مشخص نیست اما به طور حتم این چهار مرحله اردو را تا پیش از المپیک برپا خواهیم کرد. حضور در سه تورنمنت هم مدنظر است که قصد داریم خود برگزار کننده یکی از آنها با حضور دیگر کشورها باشیم.» طباطبایی با یادآوری اینکه به دلیل شرایط کرونایی جهان، تقویم خیلی از تیم‌ها هنوز نهایی نشده است، گفت: «قصد داریم دیدارهای تدارکاتی را با اروپایی‌ها داشته باشیم اما مساله این است که هنوز خیلی از آنها برنامه‌های آماده‌سازی خود را مصوب و نهایی نکرده با این حال با تیم‌هایی مثل یونان، روسیه و اسپانیا مذاکره داشته‌ایم و آمادگی خود را برای دیدار با آنها در قالب تورنمنت‌های بین‌المللی اعلام کرده‌ایم.» وی گفت: «فدراسیون جهانی بسکتبال برای مشخص شدن چهار تیم باقی‌مانده المپیک، چهار مسابقه انتخابی در کانادا، صربستان، لیتوانی و کرواسی برگزار خواهد کرد. قاعدتا تیم‌های شرکت‌کننده در هریک از این تورنمنت‌ها برگزار کننده دیدارهایی خواهند بود که در آن شرکت خواهند کرد. از این فرصت برای رسیدن به هدف خود جهت حضور در تورنمنت‌های بین‌المللی استفاده می‌کنیم. برنامه پیشنهادی برای آماده‌سازی تیم ملی بسکتبال به کمیته ملی المپیک ارائه شده تا در ستاد عالی مطرح و به تصویب نهایی برسد. مسئولان کمیته از برنامه پیشنهادی رضایت کامل داشتند و از آن استقبال کردند.»

المپین‌های کشتی در کمپ جدید

چندی پیش مراسم افتتاح ساختمان اداری خانه کشتی شماره دو با حضور پیشکسوتان کشتی برگزار شد، اما هنوز سالن تمرین و محل اسکان این مجموعه در حال مرمت و بازسازی است. اینطور که پیداست سالن خانه کشتی شهید صدرزاده نهایتا تا خرداد آماده خواهد شد و قرار است به محل کمپ تیم‌های ملی آزاد و فرنگی بزرگسالان تبدیل شود. بنابراین خانه کشتی شماره یک (خانه کشتی شهید ابراهیم هادی) محل برپایی اردوهای تیم‌های ملی نوجوانان و جوانان خواهد شد. با توجه به اینکه اردیبهشت دومین مسابقه گزینشی المپیک که مخصوص همه قاره‌هاست، به انجام می‌رسد و پس از آن تکلیف کلیه سهمیه‌های کشتی آزاد و فرنگی برای سفر به توکیو مشخص شده است، اردوی المپیکی کشتی‌گیران در کمپ جدید تیم‌های ملی استارت خواهد خورد. کشتی آزاد اکنون در سه وزن ۶۵، ۷۴ و ۹۷ کیلوگرم و کشتی فرنگی نیز در اوزان ۶۷، ۸۷ و ۹۷ کیلوگرم به دنبال کسب سهمیه المپیک در دو رویداد گزینشی آسیایی و جهانی هستند. در همین راستا چهارمین مرحله اردوی آماده‌سازی تیم ملی کشتی آزاد از امروز تا ۲۸ بهمن در محل خانه کشتی شهید ابراهیم هادی برگزار می‌شود و اردوی فرنگی‌کاران از ۲۰ بهمن استارت می‌خورد. محمد بنا در نظر دارد بعد از مسابقات قهرمانی آسیا و گزینشی المپیک شاگردانش را دو تورنمنت ترکیه و لهستان محک بزند. با توجه به تقویم اتحادیه جهانی کشتی بعد از دو مسابقه فروردین، فرنگی‌کاران در دو تورنمنت بین‌المللی «پیت لازینسکی» لهستان و جام «وهبی امره» ترکیه حضور خواهند یافت. رقابت‌های بین‌المللی «پیت لازینسکی» در کشتی فرنگی و «زیلکوفسکی» در کشتی آزاد که دارای سیستم رنکینگ است روزهای ۱۸ تا ۲۳ خرداد ۱۴۰۰ در ورشو پایتخت لهستان برگزار خواهد شد.

تو هنوز در خاطرات‌مان می‌خندی...

افسانه‌های هزار و یک تکل

باورش سخت است. اصلا باورش محال است که به فاصله یک هفته، دو نفر از بشاش‌ترین چهره‌های فوتبال ایران را به همین سادگی از دست داده‌ایم. باورش مرگبار است که مهرداد میناوند و علی انصاریان، خنده‌های معروف‌شان را برداشته‌اند و از اینجا رفته‌اند. باورش کشنده است که حالا دیگر باید برای آنها از عبارت‌هایی مثل مرحوم و زنده‌یاد استفاده کنیم. انگار «هزار سال» از همین دربی آخر که این دو نفر درباره‌اش حرف می‌زدند گذشته است. انگار هزار سال از روزی گذشته که تصور می‌کردیم زور کرونای لعنتی، به فوتبال نمی‌رسد. کرونا بدجوری حریف فوتبال، حریف ما و حریف امیدواری‌مان شده است.

آریا رهنورد

اگر همه چیز «طبق برنامه» پیش می‌رفت، علی انصاریان باید همین هفته در «سینمای رسانه» در جلسه پرسش و پاسخ فیلم جدیدش «رمانتیسم عماد و طوبا» حاضر می‌شد و به سوال‌های خبرنگاران در این خصوص پاسخ می‌داد. حالا اما به جای عماد و طوبا، همه از «علی و مهرداد» حرف می‌زنند. از دو ستاره‌ای که برای همیشه خاموش شده‌اند. علی در جلسه پرسش و پاسخ فیلم، حاضر نبود. آن موقع، علی حتی «زنده» هم نبود و تابلویی به یادگار از او در این جلسه قرار داده بودند. این جلسه اتفاقا با یک دقیقه سکوت هم آغاز شد اما بهتر بود اگر در واکنش به همه این تلخی فزاینده، جشنواره را لغو می‌کردند و کمی هم به «کادر درمان» احترام می‌گذاشتند. برای یک لحظه تصور کنید که بچه‌های مردم دارند روی دست‌شان پر پر می‌شوند، آن‌وقت بعضی‌ها سر گرم رژه رفتن در کاخ جشنواره و ژست گرفتن برای دوربین‌ها هستند. آقایان دوربینی، حتی ماسک هم به صورت نمی‌زنند و مشغول روبوسی با هم می‌شوند اما به‌محض اینکه پای یک دقیقه سکوت وسط می‌آید، خودشان را در صف جلویی قرار می‌دهند. هر اتفاقی که از این پس رخ بدهد، علی و مهرداد دیگر به زندگی برنخواهند گشت. حتی اگر کرونا کوله‌بار منحوسش را جمع کند و برود، فوتبال ایران دیگر مثل سابق نخواهد شد. تحمل بار این همه مصیبت در یک زمان کوتاه، حقیقتا دشوار است. تنها چند روز پس از غم عمیق مهرداد، ما چهره‌ای را از دست دادیم که تازه در ابتدای یک راه هیجان‌انگیز در زندگی‌اش بود. کسی که می‌خواست یک روز فاتح سیمرغ بلورین جشنواره فجر شود اما بهترین نقش‌اش را در این وداع غیرمنتظره بازی کرد. عمر کوتاه علی، حتی به دیدن فیلم‌هایش هم قد نداد. ما اما تصاویر بسیار زیادی برای مرور کردن دوران درخشان او داریم. از جنگندگی همیشگی‌اش توی زمین تا لبخندهای قطع‌نشدنی‌اش بیرون زمین.

علی انصاریان را با ویژگی فراموش‌نشدنی‌اش به یاد خواهیم آورد. اول، آن لبخندهای دلچسبی که به سرعت به دیگران سرایت می‌کردند. کافی بود علی توی یک جمع نشسته باشد، آن‌وقت تنها پس از چند دقیقه همه آدم‌های آن جمع بی‌اختیار شروع به خندیدن می‌کردند. دومین ویژگی مهم علی، شرافت حرفه‌ای‌اش بود. برای او اهمیتی نداشت که برای چه تیمی فوتبال بازی می‌کند. او در هر صورت اوج تعهد و تلاش را در زمین به نمایش می‌گذاشت. همه می‌دانستند که «علی انصار» از بچگی طرفدار پرسپولیس بوده اما او حتی وقتی به استقلال ملحق شد هم بارها سرش را برای این تیم جلوی توپ گذاشت. او آنقدر در پرسپولیس درخشیده بود و برای تیم مورد علاقه‌اش «بخیه» خورده بود که حتی وقتی مستقیما به تیم رقیب ملحق شد، باز هم محبوبیتش را روی سکوهای سرخ از دست نداد. در تاریخ فوتبال، کم‌تر فوتبالیستی داشته‌ایم که تصمیمی تا این حد انتحاری بگیرد اما به جای فحش خوردن از سکوها و تبدیل شدن به یک مهره سوخته، در بین هواداران هر دو باشگاه، محبوب باشد. علی انصاریان از این نظر، یک استثنای بزرگ برای فوتبال ایران بود. سومین ویژگی مهم علی، در محبوبیت امروزش تاثیر زیادی دارد. اینکه او همیشه کنار مادرش ایستاده و هوای او را داشته است. اینکه بارها مادرش را بزرگ‌ترین عشق زندگی‌اش دانسته و این جمله را در عمل هم اثبات کرده بود. برخلاف خیلی از چهره‌های سرشناسی که با اولین جرقه‌های شهرت، خانواده را برای همیشه به فراموشی می‌سپارند، علی انصار سمبل خانواده‌دوستی به شمار می‌رفت. یک چهره خاص که همه چیزهایی که برای عرضه داشت، متعلق به خودش بودند. بی آن که بخواهد ادای کس دیگری را دربیاورد و نقش دیگری را بازی کند. او می‌توانست برای سال‌ها بماند و زندگی کند اما هیچ‌وقت

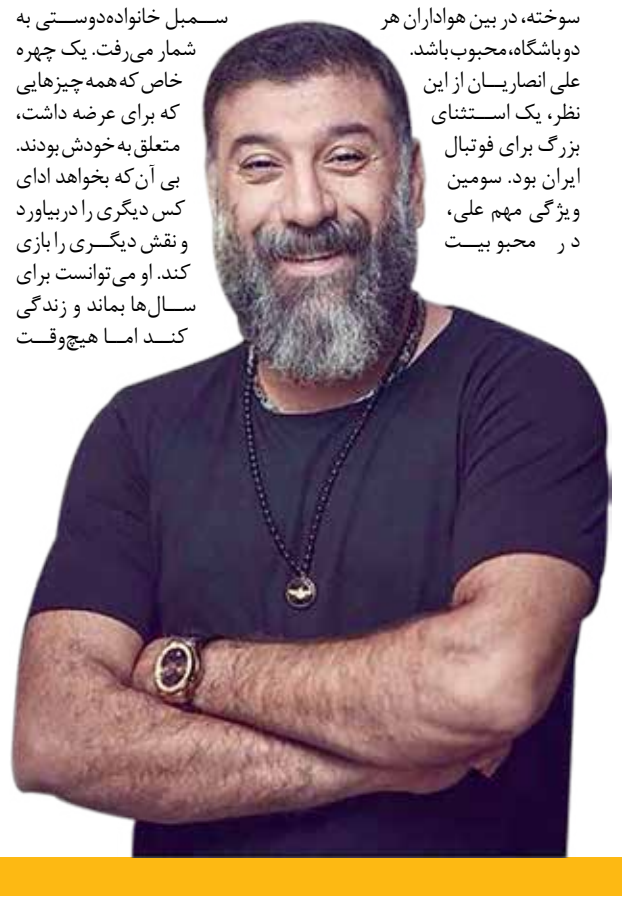

تنها چند روز پس از غم عمیق مهرداد، ما چهره‌ای را از دست دادیم که تازه در ابتدای یک راه هیجان‌انگیز در زندگی‌اش بود. کسی که می‌خواست یک روز فاتح سیمرغ بلورین جشنواره فجر شود اما بهترین نقش‌اش را در این وداع غیرمنتظره بازی کرد

راهروهای بیمارستان فرهیختگان را ترک نکرد.

تصاویر غم‌انگیز از مراسم خاکسپاری علی انصاریان، تصاویر ویران‌کننده از مادر او و قاب‌های اشک‌بار از ستاره‌های فوتبال ایران، به روشنی نشان می‌دهد که نبرد با کرونا برای ما به کدام مرحله رسیده است. اگر حضور در «استودیوی» لایو اینستاگرامی باشگاه پرسپولیس تا این حد دردسرساز بوده، باید در همه این لایوها یک بازنگری بزرگ صورت بگیرد. تا اینجا همه پروتکل‌های مهم بهداشتی با نوعی «سهل‌انگاری» همراه شده‌اند. حتی افرادی که با کرونا درگیر می‌شوند هم به جای مراجعه به بیمارستان، دست به خوددرمانی می‌زنند. تکرار این سهل‌انگاری، می‌تواند جان جوان‌های دیگری را هم بگیرد. این خوش‌خیالی را تمام کنید رفقا. دست از همه این سهل‌انگاری‌ها بردارید.

چهره به چهره

۱۰ چهره جوانمرگ ورزش ایران

از عقربه‌ها خون می‌چکد...

آریا طاری

گذر زمان، خیلی چیزها را حل نمی‌کند. گذر زمان، حریف خیلی از غم‌های بزرگ نمی‌شود. غم از دست دادن یک ستاره ورزشی در جوانی، آنقدر تلخ است که حتی در گذر سال‌ها و دهه‌ها نسبتی با فراموشی نداشته باشد. این غم آنقدر بزرگ به نظر می‌رسد که فراموش کردنش، عملا ممکن نیست. در چند دهه گذشته، ورزش ایران چهره‌های زیادی در سال‌های جوانی از دست داده است. این ۱۰ نفر، بخشی از این فهرست شوم هستند. ستاره‌هایی که حالا دیگر در میان ما نفس نمی‌کشند اما یادشان برای همیشه زنده خواهد بود.

غلامرضا تختی

هنوز هم هیچ مرگی به اندازه مرگ جهان پهلوان غلامرضا تختی، مردم ایران را متاثر نکرده است. هنوز چند ساعت از اعلام رسمی این خبر شوم نگذشته بود که اعلام شد حداقل هفت نفر در شهرهای مختلف ایران به محض شنیدن فوت غلامرضا، دست به خودکشی زده‌اند. سال‌های آخر زندگی تختی سال‌های دشواری بودند و ایستادن او مقابل برخی از افراد، این قهرمان را به نوعی به انزوا کشانده بود. خیلی‌ها در مورد دلیل مرگ تختی، گمانه‌زنی‌های زیادی انجام داده‌اند اما زندگی او، همیشه از مرگش مهم‌تر است. تختی، فرزند رشید این مردم بود و کاری که با زندگی‌اش کرد را هیچ مرگی نمی‌تواند بشورد و با خودش ببرد.

سیروس قایقران

انزلی هنوز هم خبر درگذشت سیروس در یک تصادف لعنتی را از یاد نبرده است. روی دیوارهای این شهر هنوز هم یادگارهایی از سیروس هستند. ملوانی‌ها حتی استادیوم قدیمی شهرشان را «سن سیروس» صدا می‌زنند. او و پسر کوچکش در خودروی رنو، قربانی یک سانحه تصادف شدند. سیروس و راستین قایقران، یکی از بزرگ‌ترین تراژدی‌های تاریخ فوتبال ایران را رقم زدند. سال‌ها بعد از این ماجرا، این زخم هنوز قدیمی نشده و این داغ، هنوز تازه به نظر می‌رسد. قایقران تازه به مربیگری روی آورده بود که با این اتفاق شوم روبه‌رو شد. پسر محبوب انزلی یک آینده طولانی در پیش داشت اما این اتفاق، او را همیشه جوان و همیشه در اوج نگه داشت.

آیدین نیکخواه بهرامی

تیم ملی بسکتبال ایران تازه برای یک دوران طلایی و باشکوه آماده می‌شد که خبر رسید آیدین دیگر هرگز به زمین بسکتبال قدم نمی‌گذارد. او و هم‌تیمی‌ها، تازه جام ملت‌ها را فتح کرده بودند تا اولین «صعود» تاریخ بسکتبال ایران به المپیک رقم بخورد اما یک تصادف تلخ، در مسیر این ستاره جذاب قرار گرفت. بازیکنی که عادت داشت در زمین با همه فرق داشته باشد، بیرون زمین هم به یک سرنوشت متفاوت دچار شد. آیدین رفت تا برادرش و دیگران با غم‌انگیزترین حالت ممکن به المپیک برسند. ۱۳ سال از این ماجرا سپری شده و هیچ کس نمی‌تواند این زخم بزرگ را از یاد ببرد.

روح‌الله داداشی

قهرمان و چهره مهارنشدنی مسابقه «مردان آهنین» در حالی که فقط ۳۰ سال داشت، قربانی یک درگیری خیابانی شد. از این نزاع روایت‌های متفاوتی وجود دارد اما به هر حال این درگیری، دو قربانی کم‌سن‌وسال داشت. اول روح‌ا... که با آن اندام تراشیده و آن عضله‌های حیرت‌آور به خاک سپرده شد و دوم، جوان ۱۷ ساله‌ای که زندگی‌اش را پای این اشتباه داد و روبه‌روی چشم‌های ۱۵ هزار نفر، به داور آویخته شد.

هادی نوروزی

قبل از هادی، دقیقه ۲۴ فقط یک دقیقه معمولی در جریان دیدارهای پرسپولیس بود اما حالا هیچ هواداری نیست که در این دقیقه از نبردهای سرخپوشان، نام کاپیتان سابق تیمش را فریاد نزند. کاپیتان تیم برانکو، یک شب پاییزی را به صبح نرساند و همه فوتبال ایران را در یک بهت عظیم فرو برد. هنوز هم هضم این غم کار راحتی به نظر نمی‌رسد. هنوز هم پرسپولیسی‌ها به یاد هادی نوروزی هستند.

مهرداد اولادی

وقتی درخشش را در تیم علی پروین شروع کرد، بازی در بهترین تیم‌های اروپایی کم‌ترین خواسته‌اش بود. مهرداد اما به هر دلیلی حقش را از فوتبال نگرفت و شاید همین موضوع، در شرایط ناخوشایند ماه‌های آخر زندگی‌اش موثر بود. پرسپولیسی‌ها دوباره برای مهرداد صف کشیدند و دوباره نامش را صدا زدند اما برای بازگشت او به زندگی، دیگر دیر شده بود.

مجید غلام‌نژاد

با سابقه یک گل ملی و چندین سال حضور مستمر در لیگ برتر، مجید سال‌های بازنشستگی را سپری می‌کرد که مرگ به تلخ‌ترین شکل ممکن به سراغش آمد. او در حال شنا کردن در یک رودخانه، غرق شد و به همین سادگی و در حالی که تازه ۳۵ ساله شده بود، زندگی‌اش را از دست داد.

سیامند رحمان

خالق بخشی از جذاب‌ترین رکوردهای تاریخ وزنه‌برداری ایران با آن سیمای همیشه خندان و دلربایش، در اوج جوانی دچار حمله قلبی شد. مرگ سیامند هنوز هم یک تراژدی باورنکردنی برای ورزش ایران به شمار می‌رود. پسری که حتی در بین جدی‌ترین رقبایش فوق‌العاده محبوب بود.

مهرداد و علی؛ تیر خلاص

در بخشی از گفتگوی‌شان در صفحه رسمی باشگاه پرسپولیس، از آرزوهای بزرگی پرده برداشته بودند. مهرداد دو فرزند دیگر می‌خواست و علی با اصرار دوستانش باید بالاخره ازدواج می‌کرد؛ اما حالا باید برای هر دوی آنها از عبارت مرحوم استفاده کنیم. آنها «بمب روحیه» بودند. همیشه هم لبخندهای‌شان قبل از خودشان می‌رسید، اما به شکلی باورنکردنی، دست‌شان از دنیا کوتاه شد.

اتفاق روز

مشکل عجیب تیم یحیی با گل دوم

شکارچیان بی‌دقت!

یحیی گل‌محمدی به‌درستی، نمایش تیمش در دیدار با تراکتورسازی را بهترین نمایش این فصل پرسپولیس دانسته است. در این گزاره، هیچ تردیدی وجود ندارد. چراکه قرمزها حداقل در نیمه دوم جدال یادگار امام، سطحی فراتر از همه مسابقه‌های قبلی‌شان در این فصل نشان دادند. همان تیمی که بعد از زدن گل اول گیج و بی‌برنامه ظاهر می‌شد، این بار کاملا متفاوت عمل کرد و توانست موقعیت‌های بسیار زیادی روی دروازه حریف به وجود بیاورد. هدف سرخ‌ها این بار بعد از به ثمر رساندن گل اول، به هیچ‌وجه «حفظ کردن» نتیجه نبود. آنها جلو کشیدند تا شاگردان مسعود را تحت فشار قرار بدهند و این سیاست درست، تیم را تا یک قدمی زدن گل‌های بعدی پیش برد. با این وجود این تیم تا پایان مسابقه نتوانست گل دیگری بزند و حتی در چند لحظه خاص، ممکن بود این برتری شکننده با یک تساوی عوض شود. کلیدی‌ترین مشکل این فصل پرسپولیس، دوباره در جدال با تراکتور نمایان شد. اینکه آنها فاقد گل‌زن‌های درجه یک هستند. اینکه آنها نمی‌توانند به خوبی از موقعیت‌های گل‌زنی‌شان استفاده کنند. در درخشش محمدرضا اخباری، تردیدی وجود ندارد. او یکی از بهترین نمایش‌های دوران دروازه‌بانی‌اش را روبه‌روی پرسپولیس به نمایش گذاشت اما این فقط اخباری نبود که موجب شد سرخ‌ها تبریز را تنها با یک گل زده ترک کنند. این بی‌دقتی مهاجمان پرسپولیس بود که شانس رسیدن به گل‌های بیشتر را از این تیم گرفت. شاگردان گل‌محمدی بارها و بارها در نیمه دوم صاحب بخت‌های فوق‌العاده‌ای برای باز کردن دروازه شدند اما هر بار توپ را به جایی زدند که نباید می‌زدند. حتی وحید امیری که به نوعی بهترین مهاجم پرسپولیس محسوب می‌شود هم در آخرین ثانیه‌ها یک تک به تک کامل را به سادگی هرچه تمام‌تر خراب کرد. به نظر می‌رسد پرسپولیس در فاز گل‌زنی نه فقط به انجام کارهای فنی، بلکه به بهبود وضعیت روحی نیاز مبرمی دارد. بازیکنان پرسپولیس باید اعتماد به نفس به مراتب بیشتری برای استفاده از موقعیت‌ها داشته باشند. بازگشت عیسی آل کثیر، می‌تواند یک برگ برنده مهم برای این تیم تلقی شود اما زمانی که عیسی برمی‌گردد، دیگر زمان زیادی به پایان لیگ برتر باقی نمانده و حتی نیمی از نیم‌فصل دوم لیگ هم سپری شده است. پرسپولیس تا این نقطه از لیگ برتر، ۱۲ بازی انجام داده و فقط در چهار مسابقه توانسته بیشتر از یک گل به ثمر برساند. در حقیقت آنها در هشت بازی این فصل در بهترین حالت یک بار دروازه رقبا را باز کرده‌اند. تیمی که در دوران برانکو به ندرت با تساوی‌های بدون گل نسبت داشت، حالا یک‌چهارم بازی‌هایش را با این نتیجه پشت سر گذاشته است. جالب اینکه آنها در این فصل فقط یکی از رقبا با اختلاف بیشتر از یک گل شکست داده‌اند و به جز شهر خودرو، این اتفاق را در مصاف با تیم دیگری تجربه نکرده‌اند. گل نزدن، استرس می‌آورد و پرسپولیس در این فصل، لحظات پراضطراب زیادی را تجربه کرده است. رسیدن به سه پیروزی در چهار بازی اخیر اما، اتفاقی است که می‌تواند اضطراب را تا حدودی از شاگردان یحیی دور کند.